

## تأثیر آموزش ادبیات ( قصه گوئی) به کودکان با هدف آگاهی آنها و تأمین نیازهای

### معنوی شان

راضیه نجفی<sup>۱</sup>

۱- کارشناس ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

#### چکیده

آگاهی (Awareness) توانایی دانا شدن و درک کردن برای احساس کردن یا کسب معرفت از رویدادها است. آگاهی به‌طور گسترده‌تر، حالت هشیار بودن کسی یا چیزی است. شکل‌گیری خود آگاهی و خود شناسی در کودکی به گذر زمان نیاز دارد. در واقع این فرایند به صورت ناگهانی امکان پذیر نیست و به شناسایی احساسات، علاقه مندی ها و نقاط ضعف و قوت شخصیت توسط خود کودک نیاز دارد. آگاهی نه تنها در کودکی بلکه در بزرگسالی نیز در شکل‌گیری شخصیت او موثر است. هر یک از تجربه‌های آگاهانه خصیصه‌ی پدیداری دارند، به این معنی که کیفیت خاصی برای تجربه آن‌ها وجود دارد. عوامل و عناصر بسیاری می‌تواند موجب آگاهی، خودآگاهی و تجربه آگاهانه کودکان بشود که از مهمترین این عوامل آشنایی آنها با ادبیات و قصه گوئی و قصه شنوی است. قصه به معنای خبر، داستان و .. است که در آن تأکید بر حوادث خارق‌العاده، بیشتر از تحول و پرورش آدم‌ها و شخصیت‌هاست. قصه گوئی یکی از قدیمی‌ترین و موثرترین روش‌های تعلیم و تربیت کودکان است. قصه‌ها می‌توانند به کودکان کمک کنند تا انواع مهارت‌های زبانی، خلاقیت، حل مسئله و مهارت‌های اجتماعی خود را توسعه دهند. همچنین تخیل خود را پرورش دهند و دنیای جدیدی را تصور کنند. قصه‌ها باعث افزایش آگاهی کودک از هیجانات مختلف می‌شوند و این آگاهی نیز به نوبه خود، فرآیند کنترل احساسات و عواطف را در آن‌ها بهبود می‌بخشند. علاوه بر این، آن‌ها به واسطه همذات‌پنداری با شخصیت‌های داستان، مهارت‌های بیشتر دیگری نیز به دست می‌آورند. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای و با شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است، یافته‌های آن شامل مفاهیمی چون؛ کودک، ادبیات کودکان، اصول ادبیات کودکان، اهداف ادبیات کودکان، قصه، تبیین نیازهای معنوی کودکان در دل قصه‌ها شامل؛ شایستگی یا نیاز به پیروزی و لیاقت، ایمنی یا نیاز به راحت زندگی کردن، آگاهی یا نیاز به دانستن، امنیت عاطفی یا نیاز به مهرورزیدن و مورد محبت قرار گرفتن، وابستگی یا نیاز به تعلق داشتن به جمع، بازی یا شادی و نیاز به تغییر، زیبا پرستی یا نیاز به هماهنگی، داجویی یا نیاز به آزادی می‌باشد.

**کلیدواژگان:** ادبیات کودکان، قصه، نیازهای معنوی، رشد

## مقدمه

ادبیات با مخاطب است که هویت می‌یابد؛ چرا که اگر اثری هیچ مخاطبی نداشته باشد، گویی وجود ندارد. تفاوت نیازها و کثرت مخاطبان، موجب پویایی، تنوع و خلاقیت در ادبیات شده است. در این میان، توجه به نیازها و تمایلات کودکان و نوجوانان نقش و اهمیت به‌سزایی دارد؛ چرا که این گروه به‌علت ویژگی‌های خاص سنی و تفاوت میزان توانمندی‌شان در خواندن و درک ادبیات، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند. امروزه کتاب‌های بسیاری از عنوان کودک و نوجوان روانه‌ی بازار می‌شوند (اصغرزاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰). از جمله مهم‌ترین و مؤثرترین و شاید هم، پر ارزش‌ترین وسایل و عوامل سودمند در تربیت کودکان و نوجوانان، به ویژه در عصر حاضر، ادبیات کودکان و نوجوانان است. ادبیات کودک و نوجوان به عنوان وسیله‌ی ارزشمند در جهت رشد و تکامل طبیعی و سالم کودکان و نوجوانان و کمک به برخورداری ایشان از زندگی سالم و مطلوب بهره جوییم. مطالعه‌ی رشد و تکامل کودک، با شناخت و پذیرفتن وحدت و فردیت کودک آغاز می‌شود؛ بدین معنا که بدانیم و واقعاً بپذیریم که هر کودک یا نوجوان، خود فردی است یگانه، بی‌همتا و مستقل، کودک برخلاف تصوّر گذشتگان یا حتّا عده‌ی زیادی از معاصران، مینیاتور یا کوچک شده‌ی بزرگ‌سال نیست، بلکه شخصی است که نیازها، امیال و استعدادهای ویژه‌ی خود را دارد (شعاری نژاد، ۱۳۸۴: ۲۵). قصه گویی عمری به درازای عمر کلمه و کلام دارد. شاید اگر بگوییم، در این زمان دراز کمترین انگیزه آن سرگرمی محض بوده است بیهوده نگفته نباشد! بسیاری کسان که قصه‌های خوب را .. تاریخ حقیقت‌های خاموش مانده گروه‌های ساده جوامع .. دانشکده‌های علوم اجتماعی طبقات محروم از دانش و قدرت تمثیل‌هایی برای شادی‌های نایافته و آرزوهای بر نیامده .. و نمودگارهایی برای مفهوم متعالی انسانیت .. می‌دانند. اگر چنین تعبیرهایی را بپذیریم دیگر نمی‌توانیم اعتبار قصه‌ها را تنها در سرگرم کردن آنها بدانیم؛ چراکه قصه‌ها همواره منعکس‌کننده دیدگاه انسان درباره‌ی جهان و عوامل ناشناخته پیرامون او و وسیله‌ای برای انتقال و آموزش آداب و سنن اعتقادات و تاریخ یک نسل به نسل‌های دیگر به خصوص کودکان و نوجوانان است و تأثیرات شگرفی بر اذهان، افکار، آگاهی و عقلانیت و .. آنها خواهد داشت.

## پیشینه پژوهش

با مطالعه آثار علمی مرتبط دریافتیم که هیچ موضوعی تاکنون مورد بررسی علمی قرار نگرفته است بلکه مواردی مشابه یا در حیطه موضوع مقاله حاضر انجام شده که به آنها اشاره می‌کنیم:

مقاله «بررسی تاثیر قصه گویی بر شخصیت کودکان ابتدایی»، زهرا وطن دوست و هانیه یوسفی، ۱۴۰۲. نتایج حاصل از این مقاله نشان داده است یک قصه خوب می‌تواند تاثیر مثبت و یک قصه بد تاثیر مخرب در ذهن و شخصیت کودک داشته باشد و می‌تواند جنبه‌های شخصیت کودک را ارتقا یا آن را کاهش دهد.

مقاله «تاثیر ادبیات و زبان قصه گویی بر روی گفتار کودکان در مدارس ابتدایی»، ژینا شریفی، ۱۳۹۸. نتایج این مقاله به طور کلی نشان داده است که قصه و قصه گویی به مراتب بهتر از روش‌های مستقیم کلاسی بر روی کودکان و گفتار آنان تاثیرگذار است چرا که باعث می‌شود کودکان مهارت‌های زبانی‌شان تقویت شود، در ارتباط با همسالان خود روابط سالم تری برقرار کنند، خلاقیت آنان آشکار شود و در مجموع باعث شود گفتارشان نسبت به دیگر همسالان سرآمد باشد.

مقاله «تاثیر قصه گویی بر تربیت کودکان مقطع ابتدایی»، زهرا زمزم و مژگان قدرتی، ۱۳۹۵. نتایج این مقاله نشان داده اند که قصه و قصه گویی امروزه علاوه بر روشی برای سرگرمی و تفریح، شیوه‌ای برای آموزش و یادگیری و تربیت کودکان است و مثل یک جریان هوای صاف و تمیز با رخنه بر تاروپود روح کودکان، آرامش آنها را موجب می‌شود و نیز با دعوت به خیر و خوبی

رفتارهای جامعه پسند را در کودکان تقویت می‌کند و بدین گونه با کنترل هیجان‌های کودکان رفتارهای سازگارانه و خوب را در آنها پرورش میدهد.

## کودک

کودک یک نماد است و دلیلی بر وحدت خلقت. هر تولدی مظهر جدیدی از هستی است. کودک نماد سعادت از دست رفته جامعه جدید و در عین حال عامل کسب دوباره آن به حساب می‌آید. بی‌تردید او عامل بیداری خود ما و جامعه ما محسوب می‌شود. اگر جهان به دنبال یافتن ارزشهای نوین است، باید دستهای خود را به سوی کودکان دراز کند. جامعه جدید معتقد است که کودکان دارای دو خصوصیت متضاد هستند، هم فاقد قدرت‌اند و هم منجی جهان. کودکان همیشه خارج از نظام جامعه قرار دارند و معنی آن را زیر سؤال می‌برند؛ اما از طرف دیگر، کودک فقط کودک است، یک انسان کوچک با ضمیری پاک و آماده آموزش دیدن. کسی که با روح و جسم خود در میان مردم زندگی می‌کند، احتیاجات روحی و جسمی خاص دارد و حواسی مستعد برای آزمایش جهان پیرامون خود، با قلبی پر از مهر و نیازمند محبت. کودکی با استعداد ذاتی، قدرت تشخیص و آماده برای پروراندن آرمانهای انسانی. آنان در دوران کودکی، بیش از هر دوره دیگر زندگی، کشف می‌کنند، باز می‌آفرینند و به دنبال حقیقت در تجارب انسانی هستند (بهداد و رضایی، ۱۳۸۹: ۴). پس کودک در کنار ادبیات قرار می‌گیرد. ادبیات کودکان، زمان شروع معینی ندارد. از زمانی که مادر و طفلش وجود داشته‌اند، شکلی از ادبیات نیز خلق شده است. مادر برای آرام کردن کودکش از کلام و آهنگ استفاده کرده است و این نوع شفاهی ادبیات خودبه‌خود نقش آموزشی داشته است. ماکسیم گورکی می‌گوید: «نیروهای مؤثر برای آموزش یک فرد عبارت‌اند از: هنر و علم که هر دو در ادبیات وجود دارند».

نویسندگان عقیده دارند کودک از نظر صداقت و معصومیت، نمادی از کمال انسانیت است. صداقت و معصومیتی که در دوران کودکی جا گذاشته می‌شود و در انسان آرمانی این صداقت و معصومیت عمیق‌تر و آگاهانه‌تر متجلی می‌شود.

ادبیات کودکان، با کودک زاده می‌شود و با او رشد می‌یابد و در تمام دوران کودکی، کنار اوست. کودک با ادبیات، تجاربی کسب می‌کند و اطلاعات تازه‌ای به دست می‌آورد و به این ترتیب به صورت ناخودآگاه با زبان و فرهنگ ملی خود نیز آشنا می‌شود. ادبیات، کودک را رهبری می‌کند و موجب تقویت و تربیت نیروی اندیشه او می‌شود. ازجمله دست‌آوردهای ادبیات، راهنماییهای اخلاقی بدون اجبار، تنبیه یا تشویق، تربیت شخصیت، ایجاد اعتماد به نفس و استقلال شخصی و همچنین ارضای بعضی از نیازهای ذهنی و عاطفی و لذت بردن است. از طرفی می‌تواند عامل وحدت همه کودکان جهان به حساب آید (همان، ۴-۵).

## ادبیات کودکان

ادبیات کودک شاخه‌ای نازک از درخت تناور فرهنگ و هنر این سرزمین است. ولی با نگاهی عمیق متوجه می‌شویم که این شاخه، اگر چه نازک، ولی بسیار گسترده و شگفت‌انگیز است و نمی‌توان بدون ابزار آلات از آن صعود کرد و آن ابزارآلات عبارت است از دانش‌های مختلف روان‌شناسی و علوم تربیتی و ادبیات و شاخه‌های مختلف آن به اضافه ذوق و استعداد و قوه تشخیص و مقادیر فراوانی چاشنی خیال. بدون این ابزار حتماً گردش در اطراف این شاخه نیز ممکن نیست.

هر کس که نیم‌نگاهی به فرهنگ و ادبیات ایران داشته باشد، به آسانی متوجه می‌شود که معادن غنی و عمیق ادبی برای کودکان در آن نهفته است (محمدبیگی، ۱۳۸۹: ۲۷).

بخش گسترده‌ای از فرهنگ مردم و ادبیات شفاهی ایران را افسانه‌ها تشکیل می‌دهند. به دلیل تخیل بسیار بالا در این نوع ادبی، ماجراهایشان غیرقابل باور می‌نماید. این نوع ادبی از قدیم‌ترین انواع ادبیات است. افسانه خواندن و افسانه شنیدن، یکی از نیازمندی‌های روح آدمی است. قوه‌ی تخیل و تصور مردم و اعتقادات عامیانه، افسانه‌ها را می‌سازد، و گویندگان و نویسندگان و خیال پرستان، آن‌ها را قالب‌ریزی می‌کنند.

ادبیات، هنر لفظ و زبان است بنابراین هم آثار شفاهی و هم آثار کتبی را دربرمی‌گیرد. اغلب وقتی سخن از ادبیات به میان می‌آید، شکل مکتوب آن در ذهن ما مجسم می‌شود، در حالی که ادبیات، قبل از اینکه به نگارش در بیاید، به روش شفاهی نقل و ضبط شده است. بنابراین ادبیات نه تنها به آثار مکتوب، بلکه به آثار شفاهی نیز گفته می‌شود (میرصادقی، ۱۳۸۳: ۱۳).

کلّیه‌ی نوشته‌هایی که مخصوص نسل جوان تهیه و منتشر می‌شود، چه داستان باشد چه غیر داستان، چه نظم باشد و چه نثر و چه در قالب کتاب ارائه شود چه به صورت مجله، "ادبیات کودک" گفته می‌شود. (عمادخراسانی، ۱۳۵۵: ۵).

«ادبیات کودک به مجموعه‌ی آثار و نوشته‌هایی (کتاب‌ها و مقاله‌ها) گفته می‌شود که به وسیله‌ی نویسندگان متخصص، برای مطالعه‌ی آزاد کودکان، تهیه می‌شود و در همه آن‌ها ذوق و سطح رشد و نضج کودکان مورد توجه است» (شعاری نژاد، ۱۳۸۴: ۶۴).

## اصول ادبیات کودکان

اصول هر چیز، شالوده و بنیان آفرینش آن است. اصول ادبیات کودک همان اصول ادبیات بزرگسالان است، آن چه ادبیات کودکان را از ادبیات بزرگسالان متمایز می‌کند، تفاوتی است که بین نیازها و امکانات کودکان و بزرگسالان وجود دارد. بین ادبیات کودکان و بزرگسالان تفاوت ساختاری چندانی وجود ندارد، چرا که هر دو ادبیات هستند و با تکیه بر جوهر ادبی خلق می‌شوند، ولی با مخاطب‌های متفاوت (قزل‌ایاغ، ۱۳۸۳: ۵۰).

همین‌طور تفاوت دیگر این دو ادبیات در درون مایه‌ی آن‌هاست. آثار خاص کودکان می‌بایست با عواطف و احساس‌ها، کنجکاو‌ی‌ها و تجربه‌های آنان تناسب داشته باشد. "تفاوت دیگر در تکیه داشتن ادبیات کودکان به تصویر است" (همان)

آنچه درباره‌ی «ادبیات» - که به معنای اعم گفته شد - در اصل با "ادبیات کودک" که مفهوم اخص آن است - تفاوتی ندارد. یعنی در کیفیت نه تنها "ادبیات کودک" نباید چیزی از بزرگسال کمتر داشته باشد، بلکه از آنجا که برای انسان خردسال و کم‌تجربه آفریده شده است، باید عالی‌تر و سازنده‌تر باشد (مرتضوی‌کرونی، ۱۳۶۸: ۵۷). بنابراین آفریننده‌ی اثر ادبی کودک، علاوه بر دارا بودن تخصص ادبی، نیاز به شناخت اصول تعلیم و تربیت، روان‌شناسی و... دارد.

شاخه بزرگی از ادبیات شفاهی مردم را ادبیات مخصوص کودکان تشکیل می‌دهد. این مجموعه از ادبیات شفاهی در فرهنگ جامعه‌های سنتی ما بیش از هزار سال پیشینه دارد. ادبیات شفاهی کودکان متناسب با ذوق و علاقه کودکان و در پاسخ به نیازها و خواسته‌های جامعه و کودکان و فراخور فهم و درک بچه‌ها، به زبانها و گویشهای رایج میان مردم ساخته شده و رواج یافته است (فرهود، ۱۳۹۸: ۵).

ادبیات شفاهی کودکان را که به دو صورت نثر و نظم در میان مردم رایج بوده و هنوز هم هست، می‌توان به دو دسته ادبیات داستانی و ادبیات غیر داستانی تقسیم کرد. ادبیات داستانی کودکان گونه‌هایی مانند افسانه یا اسطوره، قصه حکایت و ادبیات غیر داستانی گونه‌هایی مانند لالایی، متل و چیستان را دربر می‌گیرد از گونه‌های ادبیات داستانی کودکان، قصه‌ها نه تنها از

لحاظ کمی مجموعه ای است بسیار بزرگ و هر گروه و جامعه و قوم و طایفه ای قصه‌هایی مخصوص به خود دارند، بلکه از لحاظ کیفی نیز دارای منسجم‌ترین ساخت و بهترین شکل بیان داستانی و برخوردار از موضوع‌های تخیلی رمزی و تمثیلی، قهرمانی، دینی و اخلاقی و تاریخی‌اند. هر یک از گونه‌های ادبیات شفاهی کودکان به مقتضای موضوع و مضمون و زبان و بیان خاص و خصوصیت برانگیزاننده یا آموزنده یا سرگرم‌کننده خود کاربرد ویژه برای گروه‌های سنی مختلف کودکان دارد؛ مثلاً لالائی‌ها مخصوص نوزادان و آرامش بخش آنان به هنگام خواب مثل‌ها گوش نواز کودکان نوپا، افسانه‌ها و قصه‌های پریان و دیوان و جانوران سرگرم‌کننده و آموزنده خردسالان و حکایت‌های تاریخی و قهرمانی و دینی و چیستان‌ها برانگیزاننده حس کنجکاوی کودکان بزرگ‌تر در شناخت رخدادهای واقعی و پدیده‌های مادی و معنوی و روابط اجتماعی و فرهنگی میان گروه‌های مردم است (همان، ۵-۶).

کودکان ما در جامعه‌های سنتی با شنیدن این متلها، چیستان‌ها و قصه‌ها از مادران و پدران مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌هایشان با پدیده‌های طبیعی دنیا پیرامون خود ویژگی‌های فرهنگ جامعه‌ای که در آن زندگی میکنند آشنا میشوند و کم‌کم معیارهای ارزشی درست اندیشیدن و درست عمل کردن را مطابق با هنجارهای فرهنگی جامعه خود می‌آموزند.

## اهداف ادبیات کودکان

هدف اصلی ادبیات، ارضای نیازهای خاص گروه‌های خاص می‌باشد. درواقع هدف ادبیات کودک این است که بدون قصد آموزش مستقیم، اندیشه و عواطف کودک را پرورش دهد و کمترین کاری که در این راستا انجام می‌دهد، سرگرم نمودن کودک می‌باشد. پروفیسور "هوگارت" در این باره می‌گوید: "ادبیات کشف می‌کند و باز آفرینی می‌کند و در جست‌وجوی معناست."

با این تعریف اهمیت ادبیات کودک آشکار می‌شود چرا که کودک از هر زمان دیگر بیشتر کشف و بازآفرینی می‌کند و به دنبال حقیقت است و بدین ترتیب در واقع به کودک کمک می‌شود تا به این کشف‌ها و پی‌بردن به راز بسیاری پدیده‌ها - بوسیله‌ی بازی و با به‌کار بردن زبان در قالب‌های ادبی آن - پی ببرد.

یکی از مهم‌ترین اهداف ادبیات کودک، سرگرمی و بازی است. ممکن است گاهی اثری در حوزه‌ی ادبیات بخوانیم بدون اینکه پیمای از آن دریافت نماییم. بعضی از آثار ادبی کودکان در واقع هیچ پیام اجتماعی و مشخصی ندارند و فقط روی ذهن کودک تأثیر عاطفی می‌گذارند و او را سرگرم می‌کنند. یعنی فضای دنیای واقعی را که ممکن است غمناک نیز باشد، شادی‌آور می‌نمایند. اینجاست که سرگرم‌کنندگی ادبیات کودک، بهترین وسیله برای تخلیه‌ی فشارهای روانی اجتماعی کودک می‌تواند باشد (محمدبیگی، ۱۳۸۹: ۶۰).

یکی از صاحب‌نظران ادبیات کودک می‌گوید: آثار ادبی کودکان از دیدگاه روان‌شناسی، تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسی وظایف خود را دارند. کودکان به انواع تجربه‌ها نیازمندند و آثار ادبی زمینه‌ی مناسبی برای تجربه‌های عاطفی هستند. به طور کلی می‌توان اهداف ادبیات کودکان را به‌شکل زیر تقسیم کرد:

- ۱- شناساندن ذات حق ۲- خویش‌سازی ۳- شناخت محیط - ایجاد لذت ۵- آموزش ۶- عادت دادن به مطالعه ۷- ارضای نیازهای عاطفی و روانی کودک ۸- برانگیختن نیروی کنجکاوی کودکان و نوجوانان ۹- ارضای نیروی کنجکاوی ۱۰- اعتماد به نفس ۱۱- ایجاد روابط و تفاهم بین‌المللی ۱۲- شکوفایی استعدادهای نهفته‌ی کودک ۱۳- پرورش نیروی تشخیص ۱۴- تقویت و پرورش نیروی تخیل ۱۵- پرورش ارزش‌های اخلاقی (همان، ۶۴).

## قصه

معمولاً امروزه قصه را برای خواب کردن کودکان به کار می‌برند و پایان خوش قصه‌ها را به خواب شیرین کودکان گره می‌زنند. همه‌ی ما انسان‌ها در کودکی با قصه‌های شیرین مادران یا مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها به خواب ناز رفته‌ایم. و در پیری باز در داستان‌ها، مایه‌ی آسودگی و آرامش روان را می‌جوییم. "قصه‌ها، شکلی ساده و ابتدایی دارند و ساختمانی نقلی و روایتی. زبان اغلب آن‌ها نزدیک به گفتار محاوره‌ی عامه‌ی مردم و پر از اصطلاح‌ها و ضرب‌المثل‌های عامیانه است (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۵۸).

ضرب‌المثلی می‌گوید: «قصه نمی‌تواند جانشین زندگی شود.» این حقیقتی است غیر قابل انکار. انسان، برای اینکه کامل شود، باید زندگی کند، بجنگد، شادی، غم و درد را بیازماید و محبت و همدردی را احساس کند. بلکه، راست است که قصه نمی‌تواند جانشین زندگی شود، ولی قصه می‌تواند زندگی را پربارتر و شیرین‌تر کند. وقتی که دچار ملالیم به زندگی ما معنی و هدفی ببخشد و وقتی که زندگی تلخ است و سختی فراوان، دست‌کم ساعتی تلخی‌ها و سختی‌ها را از یاد ما ببرد یا مشکلات ما را در دیدگاه تازه‌ای قرار دهد تا بتوانیم راه حلی برای آنها بیابیم. قصه همیشه، از زمان‌های بسیار دور، سرچشمه بعضی از دانش‌های بشری بوده است و همیشه به مردمی که آن را می‌شنیده یا می‌خوانده‌اند چه شنونده یا خواننده قصه راحتی و لذت بخشیده است، (حکیم زاده، ۱۳۹۹: ۱۴).

چنان که می‌دانیم حتی در کتاب‌های آسمانی هم قصه‌ها و افسانه‌هایی برای ارشاد و تنبیه مردم نقل شده است. قصه‌ها و افسانه‌های زیبای بسیاری، همچون گنجینه‌هایی گران‌بها، در سینه‌ی مردم ایران، از روستاییان و کوه‌نشینان و پیر زنان، پنهان است که با پیشرفت ادبیات نوین علاقه به گردآوری و نشر آن‌ها در میان مردم پدید آمده است (محمدبیگی، ۱۳۸۹: ۵۰-۵۱).

قصه‌ها حاصل تخیلات گروهی مردم است. آن‌ها سینه به سینه خلق شده‌اند و سفری دراز طی کرده‌اند. بسیاری از آثار ادبی کلاسیک ریشه‌ای اساطیری دارند. از شاهنامه‌ی فردوسی گرفته تا ایللیاد و ادیسه هومر، منطق‌الطیر عطار و گیونگ‌مش که نخستین حماسه‌ی جهان است. اسطوره منعکس‌کننده‌ی روایات بشر در شخصیت‌های اسطوره‌ای و یا تسلی‌ترس‌ها و شکست‌های اوست. اما با پیشرفت دانش بشر، اسطوره‌ها ضعیف شده‌اند و در هر یک داستان یا روایت باقی مانده‌اند. هیچ دلیل جدی برای جدا ساختن قصه‌ها از اسطوره‌ها وجود ندارد، اگر چه در بسیاری از جوامع، تفاوت میان آن‌ها به صورت ذهنی احساس می‌شود، و این تفاوت به‌طور عینی نیز با به کار بردن اصطلاحات خاص برای جدا ساختن این دو نوع اظهار می‌گردد. اما به هر حال تردیدی نیست که تقریباً در همه‌ی جوامع این دو نوع را از هم جدا می‌سازند. و این تمایز دلیلی دارد (چمبرز، ۱۳۹۳: ۵). قصه‌ها بر تقابل‌های ضعیف‌تری از آن‌ها که در اسطوره وجود دارد، ساخته شده‌اند. قصه‌ها جنبه‌ی کیهان‌شناسی، ما بعد‌الطبیعی و طبیعی ندارد، بلکه بیش‌تر محلی، اجتماعی و اخلاقی هستند. به اضافه.. قصه دقیقاً کم‌تر از اسطوره معروض ملاحظه‌ی سه گانه‌ی وابستگی منطقی، ارتدکسی دینی، و فشار دسته جمعی قرار می‌گیرند.

قصه‌ها را تاریخ حقیقت‌های خاموش مانده، گروه‌های ساده‌ی جوامع... تمثیل‌هایی برای شادی‌های نیافته، آرزوهای برنیامده.. و نمودگارهایی برای مفهوم متعالی انسانیت می‌دانند.. قصه‌ها همواره منعکس‌کننده دیدگاه انسان درباره‌ی جهان و عوامل ناشناخته‌ی پیرامون او و وسیله‌ی انتقال و آموزش سنن، و اعتقادات و تاریخ یک نسل به نسل‌های دیگر بوده است (همان).

تبیین نیازهای معنوی کودکان در دل قصه‌ها

هر جامعه‌ای که می‌خواهد آینده‌ای روشن داشته باشد، باید از نظر فرهنگی برای کودکان کارهای اساسی انجام دهد. آینده‌ی هر جامعه‌ای در گرو تربیت صحیح و اصولی کودکان آن جامعه است و علاقه‌مند ساختن کودکان به مطالعه می‌تواند نسلی آگاه و



هوشیار و صالح به وجود آورد (محمدبیگی، ۱۳۸۹: ۲۵). باید نیازهای معنوی کودک را بررسی کنیم و بپذیریم که اگر داستان یک یا چند نیاز معنوی یک کودک را برآورده کند، قصه‌ای مطلوب است.

روان‌شناسان معتقدند که نیازهای معنوی کودکان از این قرارند:

۱. شایستگی یا نیاز به پیروزی و لیاقت
۲. ایمنی یا نیاز به راحت زندگی کردن
۳. آگاهی یا نیاز به دانستن
۴. امنیت عاطفی یا نیاز به مهرورزیدن و مورد محبت قرار گرفتن
۵. وابستگی یا نیاز به تعلق داشتن به جمع
۶. بازی یا شادی و نیاز به تغییر
۷. زیبا پرستی یا نیاز به هماهنگی
۸. دادجویی یا نیاز به آزادی (حکیم زاده، ۱۳۹۹: ۱۵).

#### ۱- شایستگی یا نیاز به پیروزی و لیاقت

پیروزی و ثبوت شایستگی و لیاقت کودک سبب انگیزش استعدادهای او و پیروزی بیشتر او خواهد شد. روان‌شناسان معتقدند کودکی که تلاش می‌کند و برای به دست آوردن چیزی که می‌خواهد مبارزه می‌کند و آن چیز را به دست می‌آورد، احساس می‌کند شایسته است و این پیروزی سبب پیروزی‌های بعدی او می‌شود. فقط وقتی کودکان به راستی شاد هستند و از زندگی لذت می‌برند که احساس کنند شایستگی و لیاقت دارند و بر موانع پیروز خواهند شد. شایستگی تصویری از یک انسان رشد یافته را نشان می‌دهد که برای انجام یک کار، آمادگی‌های کامل را از هر جهت دانش، مهارت، رفتار توانایی داشته باشد.

شایستگی به عنوان یک محرک ویژگی یا مهارت برجسته‌ای است که منجر به عملکرد شغلی بهتر می‌شود و در انتخاب شایسته‌ترین‌ها باید به علم و دانش، توانایی‌ها، شاخص‌های رفتاری، باورها و ویژگیهای شخصیتی نگرشها و مهارت‌های افراد توجه شود (رستگار، ۱۴۰۱: ۹).

چون کودک، در هنگامی که قصه‌ای را می‌خواند، خود را به جای قهرمان آن قصه می‌گذارد، پس یکی از خواص قصه‌ای که برای کودک می‌نویسیم باید این باشد که قهرمان قصه، خواه انسان باشد خواه پری یا حیوان، شایستگی آن را داشته باشد به تنهایی از موانعی که بر سر راه او قرار گرفته است بگذرد و بر آنها پیروز شود و این پیروزی از قهرمان قصه کسی بسازد که شایسته تحسین باشد. در داستان‌هایی که برای کودکان نوشته می‌شود، قهرمان داستان می‌تواند طلسم شب، تاریکی، بیابان، و جنگل را بشکند و از همه موانع بگذرد و پیروز باز گردد.

با بزرگتر شدن کودک نحوه مبارزه و هدف قهرمان داستان فرق می‌کند. کودکان بزرگتر می‌توانند از پیروزی مبارزه انسان‌های واقعی همان قدر لذت ببرند که در کودکی از شکسته شدن طلسم تاریکی و تنهایی لذت می‌برند. آنها وقتی که می‌خوانند کودکی فقیر و ساده، که حتی نتوانسته درست تحصیل کند، توانسته‌است در مبارزه زندگی پیروز شود و به مقام بلندی در علم یا در اجتماع شود، لذت می‌برند و چون باور دارند که انسان‌ها کم و بیش به هم شبیه هستند، می‌اندیشند که اگر او موفق شده است، من هم حتماً موفق خواهم شد و این اطمینان به پیروزی در آنها احساس لذت و امنیت به وجود می‌آورد.

همیشه لازم نیست که قهرمان قصه، به آسانی در اولین مبارزه، پیروز شود. حتی گاهی ممکن است که قهرمان قصه در ظاهر شکست بخورد. ولی اگر نویسنده ایمان داشته باشد که در هر شکست نوعی پیروزی پنهان است، اگر درسی را که هر شکست به انسان می‌دهد ثمره آن شکست بداند و در ضمن نویسنده در طول قصه نشان بدهد که قهرمان لیاقت لازم را داشته است و شکست مقدمه‌ای برای پیروزی‌های بعدی است، نتیجه کامل از قصه گرفته خواهد شد (حکیم زاده، ۱۳۹۹: ۱۷).

## ۲- ایمنی یا نیاز به راحت زندگی کردن

یکی از بزرگ‌ترین هدف‌های مبارزه انسان برای پیروزی این است که به ایمنی دست یابد، زیرا فقط در صورتی می‌تواند به راستی معنی لذت و راحتی بچشد که از امنیت کامل برخوردار باشد. امنیت را اولین بار هر کودک در دامن پدر و مادر احساس می‌کند. کم‌کم، خانه، غذای مرتب و خواب آرام و امن، همین راحتی را به او می‌بخشد. چه برای بزرگسالان و چه برای کودکان راحتی جسم می‌تواند پایه امنیت روان باشد. قصه‌های عامیانه زمان‌های گذشته، به وسیله کسانی گفته شده‌اند که فاقد امنیت کامل جسمانی بوده‌اند. آنها با سختی راهی پیدا می‌کرده‌اند تا از آن راه شکمشان را سیر و بدنشان را پوشیده نگاه دارد. برای همین است که در قصه‌های آنها چه بسیار از جشن‌های با شکوه، باغ‌های زیبا، قصرهای افسانه‌ای و لباس‌هایی از اطلس و دیبا سخن رفته است.

این قصه‌ها نشانگر این است که مردم آن زمان به وسیله قصه امنیت روانی را جانشین امنیت جسمانی می‌کرده‌اند. در بعضی از داستان‌های عامیانه با قهرمانانی آشنا می‌شویم که سال‌ها از خانه دور بوده‌اند. و در این مدت با دشمنان بسیار جنگیده‌اند. این دشمنان بارها قصد کشتن آنها و ویران کردن خانه آنها را داشته‌اند، ولی در انتها قهرمانان همه موانع را از میان برداشته‌اند، و به خانه بازگشته‌اند. در زمان ما خطرهای بسیاری امنیت کودک را تهدید می‌کند. جنگ، بیماری، قحطی، گرسنگی، بیکاری پدر و از دست دادن سر پناهی که خانه نام دارد، نمونه‌هایی از این خطرها هستند. قهرمانان قصه کودکان زمان ما می‌توانند کسانی باشند که با این خطرها می‌جنگند و پیروز به خانه باز می‌گردند، یا شکست می‌خورند، ولی شکست آنها راه را برای پیروزی قهرمان بعدی هموار می‌سازد.

تا زمانی که مبارزه قهرمان قصه با رسیدن به ایمنی در جریان است، خواننده را مجذوب خود ساخته است، خواننده نه تنها رسیدن به این امنیت را دست یافتنی می‌یابد، بلکه احساس می‌کند که خودش هم به این امنیت رسیده است. همه قهرمانانی که برای پیروزی بشر بر موانع دور و برش می‌جنگند، از شاهزادگان قصه‌های پریان تا فضانوردان خیالی می‌توانند به کودک امنیت روانی ببخشند (حکیم زاده، ۱۳۹۹: ۱۷-۱۸).

## ۳- آگاهی یا نیاز به دانستن

ذهن آگاهی یا به صورت جامع‌تر توجه آگاهی به معنای آگاه بودن از افکار، رفتار، هیجانات و احساسات است و شکل خاصی از توجه محسوب می‌شود که دو عنصر اصلی دارد: تمرکز حواس (حواس جمع بودن) و آگاهی از وقایعی که اطراف شما اتفاق می‌افتد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲). اکثر روانشناسان نقش تربیت و آموزش را در دوران کودکی مهم و حیاتی می‌دانند. ذهن آگاهی نیز یک تکنیک است که اگر در کودکی آموخته شود به صورت یک عادت تبدیل می‌شود. هدف این تکنیک، زندگی کردن در لحظه حال و لذت بردن از آن است.

محققان دریافته‌اند که ذهن آگاهی تأثیرات مثبتی بر کودکان دارند (همان، ۲۱).



بیشتر پدران و مادران از اینکه کودکشان دائم آنها را سؤال پیچ می‌کند، شکایت دارند. آنها می‌گویند: حس کنجکاوی این بچه ارضاء نشدنی است و سؤال‌هایش پایان ناپذیر. یک اسباب بازی، حتی یک روز هم، او را سرگرم نمی‌کند. چون او آن اسباب‌بازی او را بعد از نیم‌ساعت شکسته است تا ببیند که توی آن چیست و چگونه کار می‌کند.

پایه این کنجکاوی بر نیاز کودک به دانستن استوار است. کودکی که زیاد سؤال می‌کند کودک سالمی است و هر چه بیشتر سؤال کند، سالم‌تر و باهوش‌تر است. کودک، ناخودآگاه، احساس می‌کند که هر چیز ناشناخته‌ای ممکن است خطرناک باشد و تنها وقتی احساس ایمنی می‌کند که آن شیء را به درستی شناخته باشد. در زمان ما کتاب‌های بسیاری در زمینه‌های مختلف نوشته شده که کودکان می‌توانند دانش لازم را از میان قصه‌های آن بیاموزند. نویسندگان قصه می‌توانند در لابه‌لای قصه‌ای شیرین، اطلاعاتی که با حوادث آن هماهنگ باشد و در گشودن قصه نقشی بر عهده داشته، به کودک بدهند.

مثلاً می‌توان در خلال وقایع قصه‌ای که قهرمان آن در آلاسکا زندگی می‌کند، شرایط اقلیمی آلاسکا و شرایط زندگی مردم آنجا را به کودک آموخت. البته نویسنده موظف است که حتماً اطلاعات درستی به کودک بدهد و آن اطلاعات را از آخرین تحقیقات علمی، در باره مطلبی که می‌نویسد، به دست آورده باشد. دانستن کمک می‌کند که کودک به امنیت معنوی دست یابد (حکیم زاده، ۱۳۹۹: ۱۹).

#### ۴- امنیت عاطفی یا نیاز به مهر ورزیدن و مورد محبت قرار گرفتن

هر انسانی می‌خواهد مهر بورزد و همچنین مورد محبت قرار گیرد. این نیاز چنان آشکار است که عده‌ای از مردم، وقتی انسانی را برای دوست داشتن پیدا نمی‌کنند، به حیوانی عشق می‌ورزند یا دیوانه‌وار اشیاء عتیقه جمع‌آوری می‌کنند و یا عاشق مجموعه‌های مختلفی از اشیاء می‌شوند. دیده شده است کودکانی که از محبت پدر و مادر محروم بوده‌اند، با همه وجودشان، به سگ یا گربه‌ای ولگرد مهر ورزیده‌اند و ناخودآگاه هستی خویش را در وجود آن حیوان دیده‌اند.

کودک اولین درس مهرورزی را در خانه فرا می‌گیرد. او در خانه نه تنها می‌آموزد که به پدر و مادرش عشق بورزد بلکه می‌آموزد که چطور در آینده دوست خوب، همسر خوب و همچنین پدر و مادر خوبی شود. رفتار پدر و مادر برای کودک نماینده رفتار زن و مرد به طور کلی است. دختران و پسران از راه این نموده‌ها، یعنی پدر و مادر، خود و جنسیت خود را می‌شناسد و به زن یا مرد بودن خود مباهات می‌کنند و یا از زن یا مرد بودن خود متنفر می‌شوند.

کودک، چه در خانواده‌ای پُر مهر بزرگ شود و چه از محیط گرم خانوادگی بی‌بهره باشد، می‌تواند مهربانی را در قهرمانان قصه باز شناسد و از آنها راه درست مهر ورزیدن را بیاموزد. قصه‌های حیوانات، چه افسانه باشند و چه حقیقت، می‌توانند احساس کودک را تلطیف کنند و او را با حیوانات، طبیعت و دیگر انسان‌ها مهربان کنند.

قصه‌هایی که از گذشت، فداکاری، دوستی در برابر دوست دیگر، یا قهرمانی در برابر اجتماع، سخن بگویند، در کودک ایمنی عاطفی به وجود می‌آورند. کودک با خواندن این قصه‌ها ارتباط دو انسان را با یکدیگر و مهر ورزیدن و مورد محبت قرار گرفتن را باور می‌کند و می‌پذیرد، هرچند که از مهربانی بی‌بهره باشد، این امید در او به وجود می‌آید که روزی دوست یا دوستانی پیدا خواهد کرد (حکیم زاده، ۱۳۹۹: ۱۹-۲۰).

#### ۵- وابستگی به اجتماع یا نیاز به تعلق داشتن به جمع

هر کودک نیاز دارد که به اجتماعی وابسته باشد و از طرف جمعی مورد قبول قرار گیرد. تنهایی ضربه می‌تواند سرگذشت عده‌ای باشد که در یک گروه کار می‌کنند و کار هر یک سبب پیشرفت کار همه گروه می‌شود. خواندن شرح مبارزه جمعی برای رسیدن به یک هدف کودک را مجذوب می‌کند و به او آرامش می‌بخشد.

زندگی را برای کودک ناامن می‌کند. اگر به سخنان کودکان پنج یا شش ساله، شاید هم بزرگتر، گوش دهیم، جمله‌های فراوانی، از قبیل این جمله‌ها «پدر من از عهده هر کاری بر می‌آید» یا «زور برادر من از همه شاگردان کلاسشان بیشتر است.» بر می‌خوریم. این جمله‌ها نیاز کودک را به وابستگی به کسان دیگر و پیوند با آنها نشان می‌دهد. این نیاز کم‌کم کودکان بزرگتر را بر آن می‌دارد که خود را وابسته مدرسه، محله و عاقبت اجتماع بدانند و از این وابستگی احساس ایمنی کنند.

خود او، روشن می‌کند و فرد فراری به جمع باز می‌گردد تا عضوی مهربان‌تر و قدرشناس‌تر از پیش، برای آن گروه باشد. در قصه‌هایی که برای کودکان کوچک‌تر از هشت سال نوشته می‌شود خانه مرکز اجتماع است. ولی کم‌کم، با بزرگ شدن کودک، محله، شهر، مدرسه، و کشور جانشین خانه می‌شوند و عاقبت کودک حس می‌کند متعلق به گروه آدمیان است، انسانی است در میان همه انسان‌ها، با رنگ‌های مختلف، سرزمین‌های مختلف و آداب و سنن مختلف. قصه کامل قصه‌ای است که از راه پیوند با خانه، شهر و کشور، کودک را به همه آدمیان سراسر دنیا پیوند دهد و از این راه نه تنها آرزوی داشتن خانه، شهر و کشوری امن، بلکه آرزوی زیستن در دنیایی ایمن را در دل او بپروراند.

#### ۶- بازی یا شادی و نیاز به تغییر

شادی، از مهم‌ترین احساسات و نیازهای بشر به شمار می‌رود. و همچون نفس کشیدن یا درد کشیدن، از بدیهیات زندگی بشر است. یکی از تمایلات و استعدادهای درونی انسان، میل و نیاز به سرور، بهجت و لذت در زندگی است. اضطراب‌های فکری و تنش‌های روانی از مشکلات جدی انسان معاصر است؛ که منجر به کاهش احساس شادی شده است. امروزه روش‌های گوناگونی برای ایجاد شادی و نشاط و کاهش غم و اندوه پیشنهاد می‌شود؛ که بسیاری از آنها یا تأثیر کمی بر شادی دارند (وحیدی، ۱۴۰۰: ۱۷). در مقابل یکنواختی کسالت‌آور است و زندگی یکنواخت کسل‌کننده. کودکان با بازی‌هایشان به ما نشان می‌دهند که چقدر مشتاقند که چیزی، جز آنچه هستند باشند. کودک وانمود می‌کند که پدر است، مادر است، معلم است و حتی روباه، اسب، یا خرگوش است، چون می‌خواهد، برای چند لحظه هم که شده، تغییری در آنچه همیشگی است به وجود بیاورد. اگر من این نباشم که هستم، غصه‌ها و نگرانی‌های من نیز آنهایی نخواهند بود که هستند، در این صورت من آن خواهم بود که خود خواسته‌ام، موجودی بی‌هیچ نگرانی، غم، درد و ناایمنی. موجودی که می‌تواند از ته دل بخندد. به این ترتیب، می‌بینیم که هدف همه بازی‌های کودکان این است که کودک احساس کند که دیگر نگرانی وجود ندارد و از هر بلایی در امان است. در زندگی پرهیجان امروزی، با همه سر و صدا و گرفتاری‌هایی که ماشین و ابزار برای مردم فراهم آورده، ارزش خندیدن و شادی کردن از همه بیشتر است.

قصه‌ای که بتواند کودک را به راستی شاد کند و بخنداند، ارزشی بی‌حساب دارد، زیرا نویسنده آن توانسته کودک را از زحمت وانمود کردن و در نقش دیگران رفتن‌هایی بخشد و به او، در برابر غصه‌ها، نگرانی‌ها و تنهایی‌هایش، ایمنی دهد (حکیم زاده، ۱۳۹۹: ۲۲-۲۱). انسان در برابر عوامل بیرونی و درونی، واکنش‌های مختلفی مانند شادی، خشم، ترس و اندوه از خود نشان می‌دهد؛ که به آن‌ها هیجان گفته می‌شود. این هیجان‌ها به عوامل پدیدآورنده، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های انسان، بستگی دارد؛ که

گاه مثبت و گاه منفی است. شادی همچون نفس کشیدن، عشق ورزیدن و درد کشیدن و.. از امور بدیهی، طبیعی و جزء پدیده‌های رایج زندگی بشر است؛ که مفهوم آن بر انسان پوشیده نیست. شادی همان انبساط و نشاط درونی است که همواره انسان با رسیدن به مطلوب و برآورده شدن مطلوب، به طور حضوری آن را در خود احساس و درک کرده؛ و معمولاً با تبسم، خنده و.. همراه است (وحیدی، ۱۴۰۰: ۲۱-۲۲).

#### ۷- زیباپرستی یا نیاز به هماهنگی

یکی دیگر از نیازهای بشر نیاز به زیبایی و هماهنگی است. همان‌طور که قصه‌ای شاد می‌تواند کودک را بخنداند و سبب شود که کودک احساس ایمنی کند، یک شعر زیبا، یک نقاشی زیبا یا یک قطعه موسیقی زیبا هم می‌تواند کودک را وا دارد که نگرانی‌های خویش را از یاد ببرد. یک قصه اگر همه اجزاء آن با هم هماهنگ باشند زیباست. رفتار قهرمانان و بزرگواری اخلاقی آنها می‌تواند قصه را زیبا کند. نثر قصه و سبک نوشته آن هم در زیبایی قصه تأثیر فراوان دارد. قصه پردازان پیشین از این موضوع که قصه خوب نیاز به زیبایی و هماهنگی دارد، اطلاع داشته‌اند. در بسیاری از قصه‌های عامیانه، جابه‌جا، در میان گفتار قصه‌گویان، شعری شیرین، که با موضوع قصه ارتباط داشته باشد، می‌آورده‌اند، یا قصه‌گو جمله‌هایی را تکرار می‌کرده‌است، جمله‌های کوتاه، زیبا و قابل درک به زیبایی قصه کمک می‌کند (حکیم زاده، ۱۳۹۹: ۲۲-۲۳).

#### ۸- دادجویی یا نیاز به آزادی

انسان همیشه، به طور غریزی، می‌خواسته آزاد باشد و می‌دانسته وقتی با ایمنی کامل می‌تواند از آزادیش استفاده کند که آزادی دیگری را مورد تجاوز قرار ندهد. مادران به این مسئله توجه دارند که کودکشان، حتی از وقتی که یک یا دو ماه بیشتر ندارد، از اینکه دست و پای او را ببندند احساس ناراحتی می‌کند، و به چیزی که مانع حرکات جسمی او باشد خیلی دیر خو می‌گیرد. قصه سرایان پیشین، بیش از هر نیاز دیگری، به نیاز دادجویی و آزادی انسان توجه داشته‌اند. در بیشتر قصه‌های عامیانه پادشاهان ظالمند و فقرا آزاده. در همه این قصه‌ها قهرمان اصلی از داد و آزادی دفاع می‌کند و همین خصلت به او کمک می‌کند که پیروز شود.

چه بسا قهرمانان قصه‌های عامیانه، وقتی به دنبال هدف می‌روند، در سر راهشان پرنده‌ای را از قفس و یا حیوانی را از بند رهایی می‌بخشند. در روایتی از قصه عامیانه مشهور ایرانی، نخودی، قهرمان قصه، با آنکه جُثه او از یک نخود بزرگتر نیست، به شهر می‌رود تا سکه‌ای را که حاکم به پدر او بدهکار است، از او بگیرد. در راه به دست آوردن این حق با حوادث بسیاری روبه‌رو می‌شود و وقتی که به خزانه حاکم دست می‌یابد. فقط همان یک سکه را بر می‌دارد، نه بیشتر. در قصه‌های عامیانه ارزش آزادی چنان بزرگ است که وقتی انسانی حیوانی را از اسارت آزاد می‌کند، دوستی جاودانه‌ای میان او و آن حیوان به وجود می‌آید که هیچ حادثه‌ای قادر به شکستن آن نیست و حیوان آزاد شده حاضر است در تمام عمرش، به هر شکل که باشد، از نجات دهنده‌اش تشکر کند.

قصه‌ای که با روش صحیح، بر مبنای دادجویی و آزادی، نوشته شده باشد، می‌تواند هر کودکی را راضی کند. کودکان قصه‌های حیوانات را، چون در آنها بیشتر از قصه‌های دیگر از اسارت و آزادی سخن گفته است، می‌پسندند و مجذوب آن می‌شوند. قصه ای که قهرمان اصلی آن، با دانایی و تدبیر، حق را از باطل تمیز می‌دهد و از حق دفاع می‌کند نیز مورد پسند همه کودکان قرار می‌گیرد (حکیم زاده، ۱۳۹۹: ۲۴-۲۳).

## نتیجه‌گیری

یکی از بهترین راه‌هایی که می‌توانیم نگهبان ادبیات کودکان باشیم این است که به نقد پردازی آن مشغول شویم و آن را توسعه دهیم و در این راه هر چه بیشتر تشویق نماییم. لذا، اطمینان به اهمیت ادبیات، باید در بالاترین جای ذهنمان قرار گیرد. این نه فقط به خاطر سود کودکانی است که این آثار را می‌خوانند، بلکه دقیقاً به خاطر بقای فرهنگی است که در آن زندگی می‌کنیم. قصه‌گویی یکی از تاثیرگذارترین شیوه‌های آموزشی، برای یادگیری کودکان است. روشی که کودک را به افزایش مهارت، رشد خلاقیت، تخیل و تصویرسازی هدایت می‌کند. امروزه بسیاری از والدین به دلیل دغدغه‌های فکری و نداشتن وقت کافی، زمانی را برای داستان‌گویی کودک، صرف نمی‌کنند؛ در صورتی که قصه‌گویی کودکان، یک امر مهم و لازم است که در اکثر کشورها، به عنوان یک حرفه شناخته شده است که می‌تواند تأثیرات شگرفی بر اذهان کودکان داشته باشد. قصه‌گویی کودکان از موثرترین راه‌ها در شکل‌گیری شخصیت کودک محسوب می‌شود که باعث افزایش قدرت شنیداری، تکلم و تقویت حافظه در کودک خواهد شد. همه کودکان علاقمند به داستان هستند و تصاویر، ایده‌ها، مکان‌ها و موجودات خیالی و واقعی موجود در قصه‌ها، آن‌ها را به شدت درگیر خود می‌کنند. این هنر علاوه بر ایجاد سرگرمی، فواید زیادی برای رشد شناختی، هیجانی و رفتاری کودکان دارد. تمامی این تأثیرات موجب آگاهی همه جانبه به جهت ذهنی و روحی و معنوی می‌گردد و بدین ترتیب از کودکی پرورش و رشد چندگانه شکل می‌پذیرد تا شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها پدید بیاید.

علل، ضرورت و فواید توجه به ادبیات کودک

- ۱- وجود میل و نیروی کنجکاوی در کودکان برای کسب تجارت و اطلاعات تازه درباره‌ی مسائل مختلف.
- ۲- کمک به آموزش و یادگیری زبان ملی
- ۳- پرورش و گسترش توانایی تعبیر و بیان گفتاری و نوشتاری و ذوق هنری.
- ۴- هدایت، تربیت و تقویت اندیشه به وسیله‌ی خواندن، شنیدن و گفتن داستان‌های گوناگون
- ۵- آشنا ساختن غیرمستقیم کودکان با دنیای خویشتن و محل و منطقه‌ی زندگی
- ۶- رشد و گسترش رغبت‌های مثبت کودکان
- ۷- راهنمایی اخلاقی کودکان، بدون اینکه اجباری در میان باشد یا به تشویق و تنبیهی نیازمند شویم.
- ۸- رشد و گسترش میل اجتماعی و همکاری صادقانه و صمیمانه در کودکان، به وسیله‌ی داستان‌هایی که در آن‌ها چند نفر یا چند حیوان در نتیجه همکاری، مشکل خود را برطرف می‌کنند.
- ۹- تربیت همه جانبه‌ی شخصیت کودکان، مخصوصاً کمک به تقویت اعتماد به نفس و احساس استقلال شخصی، هنگامی که شرح حالی را می‌خوانند، یا خود بازگویی داستانی را به عهده می‌گیرند.
- ۱۰- ارضای بعضی از نیازهای ذهنی (عقلی) و عاطفی.
- ۱۱- کمک به رشد و گسترش عادت به مطالعه در دوران کودکی

## منابع

- اصغرزاده، الهه و همکاران (۱۳۹۸). دیو در ادبیات کودک/ بررسی نقش دیو در ادبیات داستانی کودک در دهه ی ۸۰، چاپ اول، تهران، انتشارات: گیلوا.
- بهداد، بهاره و رضایی، بهروز (۱۳۸۹). ادبیات کودک/ با نگاهی به ادبیات کودکان فرانسه عامل پیوند کودکان دنیا ادبیات کودک (مجموعه مقالات)، چاپ دوم، تهران، انتشارات: سوره مهر.
- چمبرز، دیویی (۱۳۹۳). قصه گوئی و نمایش خلاق، ترجمه؛ ثریا قزل ایاغ، چاپ ۱۲، تهران، انتشارات: مرکز نشر دانشگاهی.
- حکیم زاده، پدram (۱۳۹۹). ادبیات کودکان/ قصه گوئی و نمایش خلاق، چاپ اول، تهران، نشر: شهر پدram.
- رستگار، علی (۱۴۰۱). ساز و کارهای ارزیابی شایستگی سرمایه های انسانی (راهنمای گام به گام و کاربردی)، چاپ چهارم، تهران، ناشر: موسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران.
- رستمی و همکاران، ملیحه (۱۳۹۹). توجه آگاهی هدیه ای برای کودکان راهنمای عملی برای والدین، مربیان (پیش دبستانی) و درمانگران، چاپ اول، مشهد، نشر: ضریح آفتاب.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۴). ادبیات کودکان، چاپ ۲۳، ناشر: اطلاعات.
- عمادخراسانی، نسرین دخت (۱۳۵۵). ادبیات کودکان و نوجوانان در عصر پهلوی، تهران، نشر: مرکز تحقیقات امیر کبیر.
- فرهود، گلی (۱۳۹۸). نگاهی به ادبیات کودک، چاپ اول، تهران، نشر: جالیز.
- قزل ایاغ، ثریا (۱۳۸۳). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن (مواد و خدمات کتابخانه ای برای کودکان و نوجوانان)، چاپ اول، تهران، ناشر: سمت.
- محمدبیگی، ناهید (۱۳۸۹). راز کاوی ادبیات کودک و نوجوان/ تحلیل محتوایی کتاب کودک - قصه و شعر (از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۵)، چاپ اول، تهران، انتشارات: سی برگ.
- مرتضوی کرون، علیرضا (۱۳۶۸). ضوابط و اصول نقد کتابهای کودکان و نوجوانان، چاپ دوم، ناشر: فرهنگ و هنر.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۳). داستان و ادبیات، ناشر: آیه مهر.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۶). ادبیات داستانی (قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان)، چاپ ۲۵، ناشر: سخن.
- وحیدی، کوثر (۱۴۰۰). شادی در ۴ فصل/ زیر سقف خانه خودت دنبال شادی بگرد، تهران، نشر: مانیان.